

عوامل منازعه و همکاری در منطقه ژئوپلیتیکی خزر (ظرفیت‌های همگرایی و واگرایی)

زهرا احمدی پور *

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

زهرا حسینی سادات محله

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

محمدرضا میرزایی

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۸/۷)

چکیده

تغییر جغرافیای سیاسی منطقه خزر به سبب استقلال کشورهای اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، تغییراتی را در وضعیت ژئوپلیتیکی آن ایجاد کرده است. سیاست‌های ایران و روسیه با هدف حفظ و گسترش جایگاه برترشان در منطقه و عملکرد کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در راستای پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی و گسترش توان سیاسی، با هدف کاهش وابستگی‌ها، فضای رقابتی و تقابلی را در خزر به وجود آورده است. نگاهی به روند گفت‌وگوها و روابط کشورهای ساحلی خزر این مطلب را تأیید می‌کند که این روابط، تاکنون نتوانسته است سطح مطلوبی از همگرایی را در منطقه به وجود آورد. سؤال‌های این نوشتار این است که عوامل موجد منازعه و همکاری در منطقه خزر کدام‌اند؟ فضای حاکم بر روابط در منطقه خزر به چه سمتی در حرکت است؟ این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، به دنبال دستیابی به پاسخ این سؤال‌ها است. نتایج، نمایانگر تأثیر دو گروه از عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در شکل‌گیری منازعه و همکاری در منطقه خزر است که از میان تمامی آنها برتری با عوامل موجد منازعه است. عواملی که روابط کشورهای ساحلی خزر را هرچه بیشتر به سوی واگرایی سوق می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

رقابت، ژئوپلیتیک، منطقه خزر، واگرایی، همگرایی.

مقدمه

بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت، در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم‌تر اینکه ویژگی‌های جغرافیایی بیشتر، نقش بنیادین را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت مانند قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۹، ص. ۸۴). موقعیت یک کشور جایگاه اول اهمیت را دارد؛ زیرا عامل تعیین کننده در روابط با سایر کشورها است. اهمیت موقعیت یک کشور با تغییر شرایط تغییر می‌کند (Mills & Mclaughlin, 1957, p.167-166). هزاران سال است که جغرافیا مهم‌ترین نقش راهبردی را بازی می‌کند (Don Ward, 1992, p.vii). ویژگی‌های جغرافیایی، متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت ملی هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). به همین دلیل رقابت بازیگران سیاسی برای دستیابی به قدرت، با رقابت برای دستیابی به مؤلفه‌ها و متغیرهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برتر تعریف می‌شود که در غالب روابط ژئوپلیتیکی قابل تبیین است. در واقع در تمامی روابط ژئوپلیتیکی فضایی از رقابت را می‌توان مشاهده کرد. حتی در مسالمت‌آمیزترین شکل آن که روابط تعاملی است، روابط بازیگران با هدف دستیابی به منافع بیشتر، در فضای رقابتی شکل می‌گیرد.

روش‌شناسی نوشتار

روش این نوشتار پژوهش کاربردی است. نتایج این‌گونه پژوهش‌ها در بکارگیری تصمیم‌های مربوط در زمینه مورد مطالعه مؤثرند. با هدف دستیابی به هدف‌های پژوهش از روش کتابخانه‌-ای و همچنین روش میدانی (پرسشنامه) برای نظرسنجی از خبرگان با هدف تعیین مؤلفه‌های منازعه و همکاری، استفاده شده است.

ژئوپلیتیک و منطقه ژئوپلیتیکی

ژئوپلیتیک سخن از مطالعه روابط رقابتی قدرت‌ها در سطح جهانی یا منطقه‌ای دارد که با هدف سلطه بر منطقه یا جهان صورت می‌گیرد. برتری خواهی، سلطه جویی یا ایجاد کنترل بر مسائل منطقه، بخشی از جهان یا بر همه جهان که در اصطلاح هژمونی^۱ گفته می‌شود، هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلیتیک است (مجتهدزاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۸-۱۷۳). ژئوپلیتیک در خدمت

1. Hegemony

سیاست‌گذاران برای دست یافتن به هدف‌های سیاسی‌شان است (Haushofer, 1942, p.34). به عقیده عزتی، ژئوپلیتیک عبارت است از: «درک واقعیت‌های محیط طبیعی با هدف دستیابی به قدرت، به‌شکلی که بتوان در بالاترین سطح، وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد» (عزتی، ۱۳۸۲، ص.۷). اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه جغرافیایی به‌صورت انفرادی یا اجتماعی، یا به‌صورت کامل یا ناقص از بعد سیاسی نقش‌آفرین شود، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت می‌دهد و به‌صورت یک منطقه ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸، ص.۷۵). در واقع مناطق ژئوپلیتیک، کانون‌های رقابتی هستند که به‌واسطه داشتن ویژگی‌هایی چون: منابع انرژی و معدنی، قراردادن بر سر مسیرهای مواصلاتی (ویژگی ژئواستراتژیکی) و امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته و به محل رقابت قدرت‌ها برای دستیابی به قدرت بیشتر و درنهایت سلطه تبدیل شده‌اند.

روابط ژئوپلیتیکی

شیوه‌های مسلط رفتار میان دولت‌ها، به‌واسطه نوع روابطشان با یکدیگر، در محدوده طیفی از الگوها از تعامل تا سلطه متغیر است. دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید هستند، زیرا هرگز نمی‌توان تضمینی در برابر شکلی استفاده آنها از قدرتشان داشت. به موازات افزایش قدرت آنها، دیگران در مورد احتمال سوء استفاده آنها از قدرتشان نگران خواهند شد. بر این اساس افزایش قدرت یک دولت به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و به‌کارگرفتن اقدام‌های موازنه‌ای می‌انجامد (لیتل، ۱۳۸۹، ص.۳۳). می‌توان روابط رقابتی قدرت‌ها را به‌صورت طیفی از روابط ژئوپلیتیکی (تعامل، تقابل، نفوذ و سلطه) بررسی کرد. با توجه به هدف‌های این نوشتار، دو سطح از رابطه (تعامل و تقابل) بررسی خواهد شد.

الف) منازعه یا تقابل (تعارض، درگیری، کشمکش، مناقشه)

وضعیتی اجتماعی است که زمانی درمی‌گیرد که دو یا چند کنشگر، هدف‌های ناسازگار را دنبال می‌کنند. در روابط بین‌الملل، رفتار تعارض‌آمیز را می‌توان در جنگ - به‌عنوان یک خطر بالقوه و هم‌به‌عنوان واقعیت موجود - و رفتار مبتنی بر چانه‌زنی جدا از زبان خشونت‌بار دید. بی‌تردید

این گمان که تعارض را می‌توان از میان برد خیال‌پردازانه است. راهبردهای بازدارندگی و موازنه قدرت شکل‌های سنتی مدیریت تعارض هستند. برای خاتمه تعارض به مداخله طرف ثالثی برای تسهیل فرایند نیاز است (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۱)

ب) تعامل (همکاری، همگرایی)

تعامل یعنی همگرایی و رویکرد هم‌تکمیلی بازیگران برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها و عوامل مثبت و متغیر ژئوپلیتیکی با هدف حفظ استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و تمام ارزش‌های حیاتی یک دولت-ملت؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک همکاری به نوعی رویکردهای منطقی و منطبق با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی کشورها در جهت مسامحه با یکدیگر است (احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۹). در این وضعیت، هدف‌ها، سیاست‌ها و رفتارهای برخی از واحدها، به‌عنوان مانعی در جهت دستیابی به هدف‌های خود تفسیر می‌شود و در صورت تعدیل یا تلاش برای تعدیل رفتارها توسط بازیگران و تبدیل آن به رفتارها و سیاست‌های سازگار، الگوی رفتاری مبتنی بر همکاری شکل می‌گیرد. در غیر این صورت تعارض تجلی خواهد یافت (قاسمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۲). همگرایی منطقه‌ای به معنی درهم‌آمیزی اقتصادی، سیاسی و راهبردی کشورها در منطقه ویژه‌ای برای پدیدآوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است (مجتهدزاده، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۰).

عوامل مؤثر بر رابطه رقابت بین قدرت‌ها

با هدف بررسی عوامل منازعه و همکاری، نیازمند آن هستیم که ابتدا عوامل مؤثر بر رقابت بین کشورها را مطالعه و سپس از بین آنها عوامل مؤثر را در منطقه خزر بررسی کنیم. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه روابط رقابتی بین کشورها و عوامل تأثیرگذار بر روابط بین آنها صورت گرفته است، مجموعه این عوامل، با مطالعه نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه به دست آمده است که در جدول زیر مشاهده می‌کنیم.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر رقابت بین قدرت‌ها

انديشمندان	عوامل و متغیرهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر بر رقابت کشورها
-----	بنیان‌های جغرافیایی
مکیندر، کوهن، کانتوری و اشیپگل، والرشتاین، برزینسکی	برابری نسبی وزن ژئوپلیتیک
مکیندر، کوهن، اشیپگل، گاتمن، فلینت	سطح‌های متوازن قدرت منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی
کوهن، هانتینگتن، مرشایمر، هاگت، کالینز	منابع جغرافیایی منازعات
مکیندر، اسپایکمن، ماهان، کوهن، هاگت	درجه بالای راهبردی فضاها
کوهن، لیک و مورگان، کالینز، گاتمن	فضاهای ناامن
مکیندر، اسپایکمن، کوهن، برزینسکی	نبود اتحادیه‌های منطقه‌ای
کوهن، لیک و مورگان، کانتوری و اشیپگل	درجه پایین امنیت و ثبات منطقه‌ای
کوهن، مکیندر، اسپایکمن	بار راهبردی منطقه
مکیندر، اسپایکمن، هاگت، کالینز	حکومت‌های ایدئولوژیک

(حسین پور پویان، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۵-۱۱۷)

عوامل مؤثر بر رقابت بین قدرت‌ها در دو گروه بنیان‌های جغرافیایی و متغیرهای ژئوپلیتیک طبقه‌بندی می‌شوند. عوامل تأثیرگذار بر رقابت در منطقه مورد مطالعه را بررسی خواهیم کرد که در منطقه خزر سبب ایجاد و تشدید شرایط منازعه یا همکاری می‌شود.

الف) متغیرهای ژئوپلیتیک

متغیرهای ژئوپلیتیک محصول تأثیر عوامل سیاسی و جغرافیایی بر روی هم هستند؛ به گونه‌ای که پدیدارهای حاصله از کنش و واکنش آنها نه فقط جغرافیایی هستند و نه فقط سیاسی، بلکه آنها بنیان‌ها و عوامل ژئوپلیتیک هستند که سیاست داخلی و خارجی یک کشور و همچنین روابط آن را با سایر کشورها و بازیگران عرصه بین‌المللی را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهند. این متغیرها عبارت‌اند از:

۱. تضاد کدهای ژئوپلیتیکی،
۲. سطح متوازن قدرت منطقه‌ای با قدرت پیرامونی و جهانی،
۳. منابع جغرافیایی منازعات و همکاری‌ها (ظرفیت‌های جغرافیایی همگرایی و واگرایی)،

زمانی که استقلال، تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزش‌های اساسی حکومت- ملت به فضاهای جغرافیایی و سیاست ملت‌های دیگر پیوند می‌خورد منابع ژئوپلیتیک مشاجره شکل می‌گیرد. بسیاری از اختلاف‌ها و کشمکش‌های دیرین منشأ جغرافیایی دارند که می‌توان آنها را در دسته‌بندی زیر قرار داد:

۱. جغرافیای طبیعی در قالب مسائل مربوط به مرزهای زمینی، آب‌های ساحلی، حریم هوایی و موارد دیگر،
۲. مناقشات راهبردی در قالب مسائل مربوط به منطقه حائل، کنترل گلوگاه‌ها، حاکمیت تنگه‌ها،
۳. کشمکش‌های سیاسی در قالب مسائل مربوط به دست‌یابی به منابع عظیم انرژی (نفت و گاز)،
۴. منازعات فرهنگی در قالب مسائل مربوط به تلاقی الگوهای مختلف زندگی با یکدیگر،
۵. منازعات زیست‌محیطی در قالب مسائل مربوط به آلودگی هوا، آب و موارد دیگر،
۶. منازعه بر سر منابع آب و آبیان و موارد دیگر (کالینز، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۵-۱۸۷).
۴. بار راهبردی مکان‌ها یا فضاهای جغرافیایی،
۵. فضاهای امن و ناامن (بحرانی)،
۶. نبود اتحادیه‌های منطقه‌ای (درجه‌ی استواری و استحکام پیوندهای درونی)،
۷. درجه‌ی ثبات و امنیت منطقه‌ای،
۸. بار راهبردی منطقه.

ب) بنیان‌های جغرافیایی

منظور از بنیان‌های جغرافیایی، عواملی هستند که به صورت مستقل و مستقیم سیاست داخلی و خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این بنیان‌ها عبارت‌اند از:

۱. موقعیت دریایی یعنی دوری و نزدیکی به دریا، موقعیت جزیره‌ای و موقعیت ساحلی،

۲. موقعیت بری یعنی محصور بودن در خشکی یا در قلمرویی که بخش مهم آن را خشکی تشکیل می‌دهد. محاط بودن در خشکی می‌تواند بسیاری از رفتارهای ژئوپلیتیک یک دولت را معطوف به خود کند،

۳. موقعیت راهبردی یعنی قرار گرفتن در چارچوب راهبرد نظامی، ارتباطی و اقتصادی و تأثیرگذاری کارکردهای موقعیت راهبردی بر فرایندهای جهانی و منطقه‌ای، مانند موقعیت تنگه‌ای،

۴. موقعیت مرکزی که در مرکز حوادث و رویدادها و کنترل آنها قرار می‌گیرد. مانند هارتلند مکیندر.

جمع‌بندی

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته از الگوهای ارائه‌شده در زمینه رابطه رقابتی کشورها، به‌نظر می‌رسد که در الگوهای تبیین یافته، نقش دو عامل موقعیت جغرافیایی و مجاورت با سایر مناطق ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار نگرفته است:

۱. موقعیت جغرافیایی

اهمیت این عامل در شکل‌گیری الگوی رقابت بین کشورها نادیده انگاشته شده است. عواملی چون: موقعیت بری، موقعیت بحری، موقعیت راهبردی، موقعیت مرکزی و موقعیت حاشیه‌ای، هر کدام می‌توانند عاملی در جهت شکل‌گیری و یا تشدید رابطه رقابتی در یک منطقه باشند.

۲. مجاورت با سایر مناطق ژئوپلیتیکی

از آنجا که مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی همیشه مورد توجه قدرت‌ها بوده است، بنابراین قرارگیری یک منطقه ژئوپلیتیکی در کنار منطقه ژئوپلیتیکی دیگر، عرصه را برای تشدید رقابت بین قدرت‌ها با هدف کنترل و تسلط بیشتر بر منطقه ژئوپلیتیکی مجاور فراهم می‌کند.

محیط‌شناسی

جایگاه خزر در نظریه‌های ژئوپلیتیک

نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک در زمان‌های گوناگون مناطق مختلفی از جهان را به‌عنوان مناطق ژئوپلیتیک (کانون‌های رقابت) معرفی کرده‌اند. دیدگاه زمین محور فردریک راتزل، وی در رساله خود در سال ۱۹۰۴ با عنوان «محور جغرافیایی تاریخ» برای بخش مرکزی اوراسیا اهمیت ویژه‌ای قائل شد و این منطقه را به‌دلیل داشتن فضا و منابع گسترده، منحصر به فرد دانست. در نظریه مکیندر، منطقه خزر در ناحیه محوری و مرکزی (هارتلند) قرار دارد، جایی که از دید مکیندر تسلط یافتن بر آن به حاکمیت یافتن بر جهان منتهی می‌شود.

اسپایکمن همان دیدگاه مکیندر را دارد ولی آیین قدرت زمینی را رد کرده و معتقد بوده است که حلال حاشیه‌ای مکیندر کلید نبرد برای جهان بود (کوهن، ۱۳۸۷، ص. ۵۷). نظریه قدرت دریایی ماهان شرط اصلی ایجاد یک قدرت جهانی را کنترل بر دریاها می‌داند. به عقیده او نظارت بر دریاها اولین و برترین راه برای کسب قدرت برتر جهانی است.

جفری کمپ در کتاب «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» از اصطلاح جدیدی به‌نام بیضی راهبردی انرژی استفاده می‌کند. نظریه جفری کمپ در سال ۱۹۹۷، محصول طرح دیدگاه ژئواکونومی از یک سو و کشف ذخایر جدید نفت و گاز در حوزه خزر از سوی دیگر بود. وی در کتاب خود آورده است که ۷۰ درصد ذخایر ثبت شده جهانی نفت و بیش از ۴۰ درصد منابع گاز طبیعی جهان داخل منطقه‌ای از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی محصور شده است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ص. ۱۴). در نظریه کمپ، دریای خزر یکی از دو نقطه راهبردی مهم است که ذخایر عظیم انرژی دارد و به تبع در منطقه و جهان اهمیت بالای ژئوپلیتیک دارد.

ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه خزر

منطقه خزر دربرگیرنده دریای خزر به همراه ۵ کشور ساحلی آن است. دریای خزر از دیرباز به‌واسطه جایگاه جغرافیای سیاسی و ژئواکونومیکی خود، پیوندی بین آسیای مرکزی و منطقه قفقاز ایجاد کرده و همواره نقش پراهمیتی در سیر رویدادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایفا کرده است، نقشی که با تلفیق دو مؤلفه انرژی و امنیت پررنگ‌تر هم شده است. اهمیت

ژئواکونومیک این منطقه بیش از هر چیز دیگر به ذخایر انرژی آن باز می‌گردد. ذخایر نفت اثبات‌شده دریای خزر چیزی بین ۲۰۳/۲ الی ۲۳۵/۷ میلیارد بشکه تخمین زده شده‌اند، که از این میزان، قزاقستان با ۱۳۲ میلیارد بیشترین ذخایر و بعد از آن ترکمنستان با ۳۹/۷، جمهوری آذربایجان با ۳۹، ایران با ۱۵ و روسیه با ۷/۳، ذخایر نفت منطقه خزر را در اختیار دارند (اطاعت و نصرتی، ۱۳۷۸-۸۸، ص.۵).

همچنین برآورد ذخایر کشف شده گاز طبیعی در حوزه خزر به صورت نسبی ۱۷۰ تا ۲۶۲ تریلیون فوت مکعب، یا ۳/۲ تا ۴/۸ درصد از کل گاز جهان است (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۰۸). آمارهای اقتصادی استخراج‌شده از منابع معتبر جهانی از صادرات انرژی کشورهای ساحلی خزر، نشان‌دهنده درجه اهمیت این منابع در اقتصاد این کشورها است. برای نمونه در سال ۲۰۰۹ حدود ۹۱ درصد از صادرات کشور آذربایجان را صادرات نفت و گاز تشکیل می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۰۹). آنچه بیش از همه بر اهمیت این دریا می‌افزاید وجود ذخایر عظیم نفت و گاز است؛ حوزه خزر بین دو قطب انرژی خاورمیانه و اوراسیا قرار دارد. همچنین مسئله ژئواستراتژیک خطوط لوله، بازار و وضعیت سرمایه از عواملی هستند که اهمیت این دریا را دوچندان کرده است (مهرعطار، ۱۳۸۹، ص.۲).

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای آسیای مرکزی به‌خوبی در جامعه بین‌المللی شناخته شده‌اند و نقش خود را در چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی بین‌المللی افزایش داده‌اند (Zabortseva, 2012, p.170). ترکمنستان مهم‌ترین منابع گازی در حوزه خزر را در اختیار دارد. قزاقستان بیشترین منابع نفتی را نسبت به جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در دریای خزر دارد. روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ ژئوپلیتیک به مقابله مؤثر با نفوذ رو به رشد نیروی ناتو و اتحادیه اروپا به مناطق قوت راهبردی خود می‌پردازد و با وجود ضعف نسبی در قدرت اقتصادی، این کشور مجبور است تا رهبری کنونی خود را با تمرکز بر انرژی به‌عنوان یک منبع رشد اقتصادی و اهرم سیاست خارجی تثبیت کند (Baev, 2012, p.179). سیاست خارجی روسیه در قبال غرب بیشتر همراه با تغییر سیاست‌های غرب در برابر روسیه است. روابط بین آمریکا و روسیه در زمان پوتین حاکی از این بوده است که سیاست خارجی روسیه در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، منجر به کاهش کمی و کیفی نسبی طرح‌های همکاری بین ایالات متحده و روسیه بوده است (Kasymov, 2012, p.58). موقعیت بین‌المللی روسیه «از نظر

تاریخی وابسته به قدرت و به رسمیت شناختن غرب پدید آمده است». روسیه در آرزوی برابری با قدرت برتر جهان است.

راهبرد امنیت ملی مدودیف (2009)، به صورت خاص، با توجه به اینکه «روسیه بر عواقب ناشی از بحران سیستمیک در پایان قرن ۲۰ غلبه کرده و پیش‌نیاز ایجادشده برای تحول روسیه به یکی از قدرت‌های بزرگ پیشرو شروع می‌شود» (Kropatcheva, 2012, p.32). ایران در میان قدرت‌های منطقه‌ای، یک بازیگر بسیار مهم است، اگر چه به دلیل بروز مشکلات در حل وضعیت حقوقی دریای خزر توسط ایرانیان سرزنش شده است. فعالیت‌های ایران در منطقه خزر به خارج از اکتشاف محدود شده است. همچنین تهدید آمریکا و تحریم‌های سرمایه‌گذاری بزرگ خارجی بر مشکلات ایرانیان افزوده است. با این حال، ایرانیان تلاش کرده‌اند تا با سیاست خط لوله و همکاری دیگر کشورهای دریای خزر باهدف توسعه یک مسیر صادرات جنوبی که ایرانیان استدلال می‌کنند، کم‌هزینه‌تر از هرگزینه دیگری است، به اهمیت نقش خود در منطقه بیفزایند (Kubicek, 2013, p.7).

عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر بر منازعه و همکاری در منطقه خزر

با بررسی و جمع‌بندی یافته‌های نظری نوشتار و نیز نظر سنجی از خبرگان^۱ از میان عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر روابط بین کشورها می‌توان عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی زیر را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر رقابت قدرت‌ها در منطقه خزر بررسی کرد.

با توجه به جدول ۲، برتری عوامل منازعه در منطقه به صورت کامل مشهود است. اگرچه برخی از این عوامل مانند مرز دریایی و موقعیت مرکزی توانایی تبدیل شدن به عاملی در جهت ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای را داشته‌اند، اما به عاملی برای منازعه تبدیل شده‌اند. در ادامه به بررسی هر کدام از عوامل منازعه و همکاری پرداخته می‌شود.

الف) عوامل مؤثر بر همکاری

۱. موقعیت بری (محصور بودن در خشکی)

سه کشور ساحلی خزر یعنی جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، کشورهای محصور

۱. باهدف تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر منازعه و همکاری در منطقه خزر، از نظرات ۱۰۰ نفر از اساتید فرهیخته ایرانی و غیرایرانی در زمینه مطالعات خزر، استفاده اولویت مؤلفه‌ها سنجیده شده است.

جدول ۲. عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر بر منازعه و همکاری

عوامل مؤثر بر منازعه	عوامل مؤثر بر همکاری	عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی
		تضاد نسبی کدهای ژئوپلیتیکی
		سطح متوازن قدرت منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی
		موقعیت بری
		موقعیت راهبردی (ارتباطی)
		مجاورت با سایر مناطق ژئوپلیتیکی
		مرز دریایی
		موقعیت مرکزی
		منابع انرژی
		منابع آبی
		آلودگی زیست محیطی
		موقعیت دریایی
		فضاهای ناامن
		نبود اتحادیه‌های منطقه‌ای
		بار راهبردی منطقه

در خشکی هستند که امکان دسترسی به آبهای آزاد را ندارند و از این نظر نیازمند کشورهای همسایه خود در زمینه دسترسی و ارتباط با بازارهای جهانی هستند. این ویژگی سبب شکل‌گیری روند خاصی از ارتباطات بین کشورهای ساحلی و در واقع نوعی وابستگی ژئوپلیتیکی را برای این کشورها سبب شده است. همچنین همین عامل سبب شد تا این کشورها با هدف رهایی از وابستگی، به دنبال ارتباط با همسایگان خود در بیرون از منطقه خزر باشند. در نتیجه این تعامل، حضور کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خزر رقابت را در منطقه گسترش داده است.

۲. ژئوپلیتیک دسترسی

از آنجا که سه کشور نو استقلال اتحاد شوروی، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به دلیل دسترسی نداشتن به دریاهای آزاد، در خشکی محصور شده‌اند، بنابراین برای برقراری ارتباط با بازارهای جهانی نیازمند کشورهای ایران و روسیه یا سایر کشورهای همسایه خود

هستند؛ در واقع این ویژگی جغرافیایی محدودیت‌های ژئوپلیتیکی را برای این کشورها به همراه داشته است که نتیجه آن وابستگی سیاسی و اقتصادی این کشورها است.

۳. آلودگی زیست‌محیطی

دلایل مهم آلودگی دریای خزر را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱. آلودگی ناشی از کشتی‌ها،

۲. صنایع مستقر در اطراف دریای خزر و حوضه آبریز آن،

۳. فعالیت‌های کشاورزی،

۴. پالایشگاه‌های نفت و گاز مستقر در حاشیه دریا،

۵. اکتشاف و استخراج نفت بدون رعایت اصول زیست‌محیطی لازم،

۶. ولگا و رودخانه‌های غرب این دریا که منشأ ۸۰ درصد آلودگی‌های این دریا هستند.

با هدف مقابله با آلودگی خزر اقدام‌هایی از سال ۱۹۶۸ صورت گرفت. تا زمان وقوع انقلاب اسلامی هفت نشست در این زمینه شکل گرفت. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ اجلاس‌هایی در تهران و مسکو با هدف تهیه طرح‌های اجرایی در زمینه کاهش آلودگی دریای خزر تصمیم‌گیری شد تا اینکه در سال ۲۰۰۳، قراردادی زیست‌محیطی بین ۵ کشور ساحلی بسته شد که به شکل-گیری سیاست‌های منسجم‌تری در رابطه با مسائل زیست‌محیطی خزر انجامید. با ابتکار عمل و پیشگامی جمهوری اسلامی ایران، پس از ۸ سال تلاش «کنوانسیون تهران»، کنوانسیون محیط زیست دریای خزر در نوامبر ۲۰۰۳ در تهران بسته شد. مسئله زیست‌محیطی خزر، تنها زمینه‌ای است که در آن توافق نهایی بین ۵ کشور ساحلی حاصل شده است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۱-۱۴). تجزیه و تحلیل آمارهای به‌دست آمده از میزان آلودگی دریای خزر نشان می‌دهد که کشور آذربایجان بیشترین میزان آلودگی نفتی (از جمله در منابع نفت داشلاری) را در دریای خزر ایجاد می‌کند. بزرگترین مناطق نشت نفت در میانه دریای خزر منجر به انتشار آلودگی نفتی با عمل جریان غالب، که بیشتر در قسمت شبه جزیره آبشرون و خلیج باکو رخ می‌دهد، وجود دارد (Ivanova and et al., 2012, p.1024).

ب) عوامل مؤثر بر منازعه

۱. تضاد نسبی کدهای ژئوپلیتیکی کشورها

کدهای ژئوپلیتیک به‌عنوان پیش‌فرض‌های راهبردی، عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی کشورها هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۴) در منطقه ژئوپلیتیکی خزر تلاش قدرت‌های بالفعل

و بالقوه منطقه، در جهت افزایش قدرت در منطقه و جهان صورت می‌گیرد که این مسئله سبب شکل‌گیری سیاست خارجی متضاد نسبت به یکدیگر و در نتیجه رفتاری رقابتی می‌شود.

۲. سطح متوازن قدرت منطقه‌ای، پیرامونی و جهانی

نوع ارتباط شکل گرفته بین قدرت‌ها به سطح قدرت بین کشورها بستگی دارد. اگر سطحی از توازن قدرت بین کشورهای درون منطقه، بین بازیگر یا بازیگران مسلط نظام منطقه‌ای با بازیگر یا بازیگران مسلط نظام پیرامونی و بین بازیگر یا بازیگران مسلط نظام منطقه‌ای یا بازیگر یا بازیگران مسلط جهانی وجود داشته باشد، به ایجاد و یا تشدید رابطه رقابتی بین کشورها منجر می‌شود. به نظر می‌رسد که در منطقه خزر شاهد سطحی از توازن بین بازیگران منطقه‌ای (ایران و روسیه) با بازیگران پیرامونی (چین و ترکیه) و بازیگران جهانی (ایالات متحده و اتحادیه اروپا) هستیم که به تبع سبب ایجاد و تشدید رابطه رقابتی بین آنها شده است.

۳. موقعیت دریایی

قدرت‌های بزرگ به دلیل نقش دریاها و آبراهه‌های بین‌المللی در تجارت جهانی و کسب جایگاه راهبردی از گذشته‌های دور تاکنون به دنبال آن بوده‌اند که برتری نظامی خود را در آن مناطق ثابت و تا حد امکان حضور کشورهای رقیب را کاهش دهند. اهمیت دریاها در کسب جایگاه برتر سیاسی و نظامی به حدی است که برخی نظریه‌پردازان کنترل بر دریاها را شرط اصلی برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی دانسته‌اند. به نظر این اندیشمندان، در نزاع بین قدرت‌ها، نیروهایی که در موقعیت دریایی برتری قرار دارند، برای دست‌گرفتن ابتکار عمل امکانات بیشتری دارند. به دلیل قرار گرفتن دریای خزر در کانون منطقه خزر و ارتباط این دریا از راه دو آبراهه (ولگا- دن و ولگا- بالتیک)، با دریای سیاه و بالتیک و از سویی ارتباط کشورهای ساحلی آن با دریاهای آزاد اهمیت راهبردی منطقه را دوچندان کرده است.

۴. موقعیت راهبردی

منطقه خزر به دلیل قرارگرفتن در چارچوب راهبردهای منطقه‌ای و جهانی - راهبردهای ارتباطی، اقتصادی و موارد دیگر و در نتیجه تأثیرگذاری بر فرایندهای راهبردی جهانی، برای کشورهای منطقه و جهان اهمیت زیادی دارد.

۵. موقعیت مرکزی (نظریه هارتلند مکیندر)

همانگونه که با مطالعه در بررسی نظریه‌های مکیندر، اسپایکمن، ماهان، کمپ و دیگر دانشمندان و نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک مشاهده شد، منطقه خزر به‌عنوان یک منطقه دریایی، برای سلطه بر منطقه و جهان اهمیت بسیاری دارد. منطقه خزر در نظریه مکیندر قسمتی از بخش مرکزی هارتلند است که تسلط بر آن سبب تسلط بر جزیره جهانی و در نتیجه حاکمیت بر جهان خواهد شد.

۶. مجاورت با سایر مناطق ژئوپلیتیکی

منطقه دریای خزر با چهار حوزه ژئوپلیتیکی مشخص ارتباط دارد که عبارتند از: حوزه آسیای مرکزی در شرق، حوزه قفقاز در غرب، حوزه ایران در جنوب، حوزه روسیه و اسلاو در شمال؛ این حوزه‌های چهارگانه بر حوزه دریای خزر تأثیر گذاشته و هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می‌دهند. از این رو مسائل دریای خزر را باید حاصل ترکیب و برخورد مسائل و دیدگاه‌های خاص این چهار حوزه دانست که در دو حوزه غربی و شرقی نیز با نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای پیوند خورده و الگوی پیچیده‌ای از رقابت و همگرایی را شکل می‌دهد که این مداخله با واکنش‌های بخش شمالی و جنوبی دریای خزر روبه رو شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸، ص. ۴۴).

۷. امنیت منطقه در قالب عوامل فرهنگی (فضاهای ناامن)

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، وجود اقوام گوناگون در هر کدام از کشورهای ساحلی دریای خزر سبب شکل‌گیری منازعاتی در داخل و یا بین این کشورها با یکدیگر یا با دیگر کشورهای همسایه شده است. به‌شکلی که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را نیز دربر می‌گیرد. مانند منازعات (چچن- روسیه، گرجستان - آبخازیا، گرجستان- اوستیا، جمهوری آذربایجان - ارمنستان، جمهوری آذربایجان - داغستان، تالش‌های جمهوری آذربایجان) وجود درگیری‌های قومی عاملی برای ناامنی یک منطقه تلقی می‌شود، امنیت انتقال انرژی یکی از مباحثی است که در حوزه خزر با تهدیدهایی روبه‌رو است. منازعات منطقه‌ای به‌ویژه در قفقاز، بیشترین خطر را متوجه خطوط اصلی انتقال انرژی حوزه خزر به‌ویژه سه خط لوله (باکو- نوروسیسک، باکو- سوپسا، باکو- جیحان) می‌کند. آسیای مرکزی بستر ناامنی است و در این نقاط پتانسیل درگیری بالایی وجود دارد. شاید بتوان گفت که بیشترین تأثیر این منازعات، ایجاد ناامنی‌ها برای انتقال منابع انرژی خزر به خارج از منطقه باشد، اما از سویی دیگر مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به بهانه حل منازعات قومی که با هدف استقلال‌طلبی شکل می‌گیرد،

سبب گسترش حوزه نفوذ این قدرت‌ها در منطقه خواهد شد؛ مانند حمایت نظامی روسیه از ارمنه در قره‌باغ کوهستانی در مقابل جمهوری آذربایجان.

۸. نبودن اتحادیه‌های منطقه‌ای

به دلیل وجود نداشتن منافع مشترک و در نتیجه شکل نگرفتن حس همگرایی کشورهای ساحلی خزر، تاکنون اتحادیه منطقه‌ای در منطقه خزر با همکاری پنج کشور ساحلی شکل نگرفته و این عامل زمینه حضور کشورهای فرامنطقه‌ای را در خزر تشدید کرده است.

۹. مناقشات راهبردی (ارتباطی)

در زمینه مناقشات راهبردی توجه به جایگاه کشورها در زمینه توانایی ارتباط با بازارهای جهانی اهمیت دارد که این مسئله در دو زمینه دسترسی کشورهای محصور در خشکی به بازارهای کالا و انرژی، عاملی در جهت همکاری کشورها و ژئوپلیتیک لوله‌های نفتی، مسیرهای انتقال انرژی به بازارهای مصرف، قابل توجه است.

ژئوپلیتیک لوله‌های نفتی

با شکل‌گیری جغرافیای سیاسی جدید در منطقه خزر پس از فروپاشی اتحاد شوروی و به دنبال آن کشف منابع انرژی در دریای خزر و شکل‌گیری شیوه‌های جدیدی از روابط اقتصادی کشورهای منطقه - امضای قراردادهایی با هدف گسترش و بهره‌برداری از میادین نفتی با سرمایه‌گذاران خارجی - و در نهایت تغییر ژئوپلیتیک منطقه، مسئله انتقال انرژی به بازارهای جهانی مصرف، به چالشی بزرگ تبدیل شد. اینکه کدام مسیر انتقال انرژی می‌تواند برای کشورهای منطقه و کمپانی‌های سرمایه‌گذار خارجی صرفه اقتصادی، سیاسی و امنیتی داشته باشد؟ اگرچه قبل از فروپاشی اتحاد شوروی، برخی خطوط لوله به سمت شمال (دریای سیاه) وجود داشته است، اما پس از سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این منطقه این خطوط جوابگوی حجم زیاد تولید نبوده است و کشورهای سرمایه‌گذار غربی و نیز کشورهای دارنده این منابع انرژی مانند جمهوری آذربایجان مایل به وابستگی به روسیه نبوده و تلاش می‌کنند تا مسیرهای جدیدی را برای انتقال انرژی ایجاد کنند. در حالی که انحصار روسیه در صادرات انرژی در اواخر ۱۹۹۰ شکسته شد، اما مسیرهای مهم صادرات همچنان از راه پیمودن خاک روسیه است. ساخت خط لوله جدیدی که روسیه را دور بزند، اولویت بسیار مهم در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و ایالات متحده بود. پس از بررسی گزینه‌های مختلف، مسیر ایران به صراحت رد شد و خط لوله گاز ترانس افغان نیز بسیار مخاطره‌آمیز بود. در نتیجه آمریکا از

حامیان اولیه خط لوله باکو -تفلیس - جیحان^۱ تبدیل شد (Kubicek, 2013, p.5). درحالی که ایران می‌تواند تأمین‌کننده تقاضای انرژی در بازارهای آسیایی باشد؛ از راه صادرات به وسیله لوله‌های حمل و نقل مستقیم از ایران به خلیج فارس یا معاوضه نفت^۲ انجام داد. با این حال، سرمایه‌گذاری در بخش نفت ایران با تحریم اقتصادی ایالات متحده محدود شده است (Tavana & et.al., 2012, p.349).

۱. منابع آبی

منابع زیستی محیطی شامل گیاهان و جانوران فراهم‌کننده مجموعه متنوع گونه‌ای یک مکان هستند که هر کدام به سبب ظرفیت‌های ژنتیکی و تولیدات اولیه و ثانویه خود، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم منافع گروه‌های انسانی را تأمین می‌کنند. بر اساس آمار به دست آمده، ذخایر ماهیان استخوانی دریای خزر رو به کاهش است و این امر نتیجه عوامل صید بی‌رویه و غیرقانونی، آلودگی زیست محیطی و ایجاد سد بر روی حوزه رودخانه‌ها است (سازمان شیلات ایران، ۱۳۹۲).

۲. مرزهای دریایی

مسئله تعیین مرز دریایی کشورهای ساحلی خزر اگرچه می‌توانست به عنوان عاملی در جهت همکاری کشورهای منطقه باشد؛ اما به صورت عامل بسیار مهمی در جهت شکل‌گیری مناسبات سیاسی کشورها به سمت تقابل شده است. روابطی که به سمت واگرایی کشورهای منطقه دریای خزر سوق پیدا خواهد کرد. با توجه به ویژگی منحصر به فرد دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان، وضعیت حقوقی آن نیز به شکل خاصی دچار چالش شده و کشورهای منطقه هنوز در مورد تعیین مرز خود در این دریا تصمیم مشترکی نداشته‌اند و به این ترتیب بسیاری از مسائل مربوط به بهره‌برداری از این دریا به صورت نامشخص باقی مانده است. البته توجه به این مهم ضرورت دارد که کشورهای ساحلی خزر (به جز ایران) با در نظر قرار دادن قوانین بین‌المللی در مورد مرزهای دریایی - کنوانسیون ژنو- مرزهای دریایی خود را تعیین کرده و در حال حاضر اقدام به بهره‌برداری از دریای خزر در محدوده مرز خود کرده‌اند و این وضعیت ایران است که نامشخص است. البته می‌توان بزرگترین دلیل در بروز چنین شرایطی را به کارنگرفتن دیپلماسی صحیح ایران در این زمینه دانست. نگاهی به روند گفت‌وگوهای کشورهای ساحلی خزر مؤید این مطلب است.

1. Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline (BTC)

2. Swap

۳. مناقشات سیاسی (دستیابی به منابع انرژی)

با توجه به آمار به دست آمده از میزان ذخایر نفت و گاز کشورهای حوزه خزر، پنج کشور منطقه خزر بالاترین رتبه‌های ذخایر انرژی نفت و گاز خزر را دارند. قزاقستان دومین ذخایر نفتی را دارد و به‌عنوان دومین تولیدکننده نفت در میان جمهوری‌های اتحاد شوروی پس از روسیه است. این کشور همچنین ذخایر بزرگ گاز طبیعی دارد و تولید نفت و گاز این کشور به‌صورت پیوسته در حال افزایش است (اداره اطلاعات انرژی، ۲۰۱۱).

جمهوری آذربایجان مهم‌ترین دهانه صادرات راهبردی منطقه خزر به غرب است. شرکت دولتی نفت آذربایجان به تولید کمتر از ۲۰ درصد از کل تولید جمهوری آذربایجان را به عهده دارد، ۸۰ درصد باقی مانده که توسط بریتیش پترولیوم و شرکت عملیات بین‌المللی جمهوری آذربایجان^۱ که تعداد ۱۰ شرکت نفتی (بریتیش پترولیوم، شرکت دولتی نفت آذربایجان، شورون، استات اویل، دوون انرژی، اکسون موبیل و چند شرکت دیگر) است که با جمهوری آذربایجان قرارداد استخراج امضا کرده‌اند (Ciarreta & Nasirov, 2012, p.283).

از جمله کشورهای با اهمیت از نظر انرژی برای اتحاد شوروی، ترکمنستان بود. در دوران اتحاد شوروی، صادرات گاز ترکمنستان با یک سیستم متحد خط لوله، تمام قلمرو اتحاد شوروی را در برمی‌گرفت. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، این خط لوله در اختیار روسیه قرار گرفت و این مسئله سبب شد تا انتقال انرژی از ترکمنستان که تا آن زمان مسئله‌ای داخلی بود به موضوعی دیپلماتیک تبدیل شده و اهمیتی سیاسی و گاه امنیتی بیابد (کولایی و عزیز، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶).

قراردادهای کشورهای ساحلی خزر نشان می‌دهد که تنها کشور چین موفقیت‌های فزاینده‌ای را در دستیابی به انرژی آسیای مرکزی، از راه قراردادهای جدید با کشورهایی که ذخایر عظیم انرژی دارند (قزاقستان، ترکمنستان) به دست آورده است. چنان‌که تجارت چین با آسیای مرکزی ۲۵ برابر در ۸ سال (۲۰۰۰-۲۰۰۸) افزایش یافته است (Tsygankov, 2012, p.7). روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ ژئوپلیتیک به مقابله مؤثر با نفوذ رو به رشد نیروی ناتو و اتحادیه اروپا به مناطق قوت راهبردی خود می‌پردازد و با وجود ضعف نسبی در قدرت اقتصادی، این کشور مجبور است تا رهبری کنونی خود را با تمرکز بر انرژی به‌عنوان یک منبع رشد اقتصادی و اهرم سیاست خارجی تثبیت کند (Spechler & Spechler, 2013, p.2-7).

1. Azerbaijan International Operating Company (AIOC)

نتیجه

با نگاهی به یافته‌های نظری و آماری نوشتار می‌توان برتری کامل عوامل منازعه را در منطقه خزر مشاهده کرد. ظرفیت‌های واگرایی بیشتر متأثر از عوامل جغرافیایی هستند. سه کشور نو استقلال جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به دلیل نداشتن سابقه حکومت ملی و نیز شرایط جغرافیایی حاکم بر آنها (موقعیت بری) به دنبال تغییر و ارتقای جایگاه خود و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای هستند. توسعه اقتصادی (قراردادهای تجاری خارجی، صادرات انرژی، موقعیت حمل و نقل) از راه بستن قراردادهای تجاری با کشورهای اروپایی و شرکت‌های بزرگ نفتی و کشورهای منطقه‌ای مانند چین، برای بهره برداری از میادین نفتی و انتقال این منابع انرژی به بازارهای جهانی سبب ایجاد فضایی رقابتی بین کشورهای منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و شرکت‌های بزرگ جهانی شده است.

محصول تمامی عوامل، ایجاد رقابت در منطقه، ایجاد فضایی پر از چالش و تنش به‌ویژه برای کشورهای ساحلی منطقه خزر است که نمونه آشکار آن انزوای کشورهای ساحلی خزر (به‌ویژه ایران) است. از سویی، شکل‌گیری پیمان‌های تسلیحاتی و نظامی به‌ویژه اجرای مانورهای تسلیحاتی با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف دور نگه داشتن کشورهای ساحلی از مسائل امنیتی خزر- به ویژه ایران و روسیه-، تشدید فضای ناامن را در خزر منجر شده است و از سویی دیگر وجود منابع انرژی و آبی و همچنین ویژگی‌های جغرافیای کشورهای منطقه- موقعیت راهبردی، موقعیت بری و بحری - در سایه نداشتن همگرایی‌های منطقه‌ای، به مناقشات سیاسی و راهبردی در زمینه ژئوپلیتیک لوله‌های نفتی و ژئوپلیتیک دسترسی، منجر شده است. به‌کار نگرفتن دیپلماسی صحیح توسط کشورهای ساحلی خزر در حل مسائل منطقه‌ای، به‌ویژه مسئله تعیین مرز سیاسی و مشکلات تابعه آن و نیز مسئله آلودگی منابع آب و آبی در خزر، به تشدید عوامل منازعه در منطقه منجر شده و در نتیجه حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای را گسترش داده است که منافع کشورهای ساحلی را به خطر می‌اندازد.

اگرچه در سال‌های اخیر اقدام‌های کشورهای ساحلی خزر تا حدی نشانه‌هایی از بهبود شرایط در منطقه خزر را دارند که از جمله مهم‌ترین این تحولات می‌توان به افتتاح خط لوله جدید ایران و ترکمنستان، چرخش جمهوری آذربایجان به سمت روسیه در حوزه انرژی و فاصله نسبی از آمریکا و به‌ویژه ترکیه و نیز همکاری‌های روسیه و ترکمنستان در زمینه گاز اشاره کرد؛ اما نگاهی دقیق‌تر به دلایل بروز و گسترش منازعات در خزر، می‌تواند گامی مثبت در جهت رفع مشکلات و گسترش روند همگرایی‌ها در منطقه باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. احمدی پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۹)، **ژئوپلیتیک دریای خزر**، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲. احمدی پور، زهرا و علی ولی قلی زاده (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای، **فصلنامه جغرافیا**، سال هشتم، شماره ۲۷، ص. ۷-۲۷.
۳. اطاعت، جواد و حمیدرضا نصرتی (۸۸-۱۳۸۷)، «ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه‌ی خزر»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال دوم، شماره ۳، ص. ۱-۲۲.
۴. ایوانز، گراهام، جفری نونام (۱۳۸۱)، **فرهنگ روابط بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، **قدرت و منافع ملی**، تهران: نشر انتخاب.
۶. حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۸)، **افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی**، تهران: سمت.
۷. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۸)، «تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۲۷، ص. ۴۳-۵۸.
۸. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی.
۹. حسین پور پویان، رضا (۱۳۹۰)، تبیین الگوی روابط در مناطق ژئوپلیتیک، مطالعه موردی: شبه قاره هند، **رساله دکتری جغرافیای سیاسی**، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۲)، **ژئوپلیتیک**، تهران: سمت.
۱۱. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، **اصول و روابط بین‌الملل**، تهران: نشر میزان.
۱۲. کالینز، جان ام (۱۳۸۵)، **جغرافیای نظامی**، جلد دوم جغرافیای فرهنگی، مترجمان، محمدرضا آهنی و بهرام حسینی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. کمپ، جفری و رابرت هارکاوای (۱۳۸۳)، **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، ترجمه‌ی مهدی حسینی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۱۴. کولایی، الهه (۸۷-۱۳۸۶)، «ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال اول، شماره ۱، ص. ۴۷-۷۱.
۱۵. کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، **ژئوپلیتیک نظام جهانی**، مترجم: عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر تهران.
۱۶. لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، **تحول در نظریه‌های موازنه قوا**، ترجمه غلامعلی چگینی زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: سمت.
۱۸. مهرعطار، رضا (۱۳۸۹)، «جایگاه ژئوپلیتیک خزر در آسیای مرکزی و قفقاز»، **دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا (ایراس)**، شماره ۲۹، ص. ۳۵-۵۱.

ب) انگلیسی

1. Baev, Pavel k (2012), «From European to Eurasian Energy Security: Russia Needs and Energy Perestroika», **Journal of Eurasian Studies**, Vol.3, No.3 pp.177-184.

- 2.. Ciarreta, Aitor & Nsirov, Sh ,(2012), «Development Trends in the Azerbaijan Oil and Gas Sector : Achivements and Challenges», **Energy Policy**, Vol.40, No.40, pp.282-292.
- 3.. Don Ward, Michel ,(1992), **The New Geopolitics**, By Gordon and Breach Science Publishers S.A.
- 4.. Haushofer, Karl, (1942), **Why Geopolitik?** From the World of General Haushofer.In: Tuathail, G & Others (ed). *The Geopolitics Reader*. (1998) London and New York: Routledge.
5. Ivanova A. Yu, M. Yu. Dostovalovb, and A. A. Sinevac ,(2012), «Characterization of Oil Pollution Around the Oil Rocks Production Site in the Caspian Sea Using Spaceborne Polarimetric SAR Imagery», ISSN 0001_4338, *Izvestiya, Atmospheric and Oceanic Physics*, Vol. 48, No. 9, pp.1014–1026.
6. Kasymov, Shavkat, (2012), «Statism in Russia: The Implications for US–Russian Relations», **Journal of Eurasian Studies**, Vol.3, No.3, pp.58–68.
7. Kropatcheva, Elena ,(2012), « Russian Foreign Policy in the Realm of European Security Through the Lens of Neoclassical Realism», **Journal of Eurasian Studies**, Vol. 3, No.3, pp.30–40.
8. Kubicek, Paul ,(2013), Energy Politics and Geopolitical Competition in the Caspian Basin», **Journal of Eurasian Studies**, Vol.4, No.xxx, pp.1–10.
- 9.. Mills, Lennox A & Mclaughlin,Charles H, (1957), **World Politics in Transition**, Henry Holt and Company, New York.
10. Spechler, Martin C, Spechler, Dina R, (2013), « Russia’s Lost Position in Central Eurasia», **Journal of Eurasian Studies**, Vol.4, No.4, pp.1–7.
11. Tavana, M & Pirdashti, M & Kennedy, D.T ,et.al, (2012), «A Hybrid Delphi-SWOT Paradigm for Oil and Gas Pipeline Strategic Planning in Caspian Sea Basin», **Energy Policy**, Vol.40, No.40, pp.345-360.
12. Tsygankov, Andrei P., (2012), «The Heartland No More: Russia’s Weakness and Eurasia’s Meltdown», **Journal of Eurasian Studies**, Vol.3, No.3, pp.1–9.
13. Zabortseva, Yelena Nikolayevna, (2012), «From the “Forgotten Region” to the “Great Game” Region: On the Development of Geopolitics in Central Asia», **Journal of Eurasian Studies**, Vol.3, No. 3, pp.168–176.
14. www.WORLDBANK.ORG /COUNTRY/AZERBAYJAN, (Accessed on:11/07/2009).
15. www.EIA.DOE.GOV /COUNTRIES, (Accessed on:02,2011).
16. www..EIA.DOE.GOV/COUNTRIES/regions-topics.cfm?fips=CSR,(Accessed on: 23/10/2008).
17. http://Site.fisheries.ir/portal, IRAN FISHERIES ORGANIZATION, (Accessed on: 18/3/1392).